

۲-۲. حماسه‌رستم و اسفندیار، گزینش و شرح منصور رستگار فسایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جامی، ۱۳۷۳.

نثر کتاب (در بخش توضیحات) بسیار ساده و رساست و در آن قواعد زبان فارسی رعایت شده است. مؤلف در متن کتاب از اصطلاحاتی که به فهم بهتر حماسه کمک می‌کند استفاده و توضیحات لازم و مستند درباره آنها عرضه کرده است. کتاب مذکور دارای مقدمه نسبتاً خوبی درباره حماسه و ساختار آن است و در آن از منابع بسیار معتبر استفاده شده است. همچنین نگارنده این اثر از عرضه فهرست اعلام، اماکن و واژگان در پایان آن غافل نمانده است.

این کتاب بر اساس شاهنامه چاپ مسکو در ۱۶۷۶ بیت تدوین شده است و شارح محترم برای سهولت در شرح ابیات، آنها را با فواصل پنج بیت پنج بیت شماره‌گذاری کرده و کل متن را به سه بخش تقسیم نموده و برای هر بخش، عنوانی مناسب برگزیده است. اثر مذکور از صفحه ۱۳۳ تا ۲۷۶ با عنوان «توضیح و گزارش» به شرح مطالب و معنی لغات مشکل اختصاص دارد و شارح به منظور توجیه و توضیح موضوعات مورد بحث خود، به اشعاری از شاهنامه فردوسی استناد جسته و در مواقع لازم و مقتضای سخن به بحث‌های دستوری لازم دست یازیده است؛ نظیر بحثی که در صفحه ۱۶۴

درباره وجه مصدری افعال در معنی فعل مضارع پرداخته، یا بحث مربوط به بیت‌های ۱۱۱، ۱۱۲ و ۱۱۳.

شارح محترم از صفحه ۱۹ تا صفحه ۶۶ بخشی از کتاب را به معرفی شخصیت‌های نقش‌آفرین در رویدادهای داستان اختصاص داده و در آغاز معرفی هر شخصیت - در پاورقی صفحه اول آن بخش - با استفاده از منابعی معتبر، آن نام خاص را از لحاظ معنی لغوی و ریشه‌یابی موردنظر در متون اوستایی و پهلوی و کتب تاریخی بررسی کرده است. نگارنده کتاب در پیشگفتار، به هنرمندی فردوسی در نظم این داستان (رستم و اسفندیار) اشاراتی کرده و این اثر را تحت عناوینی چون «فردوسی و داستان رستم و اسفندیار»، «اوج و فرود داستان»، «شخصیت‌های داستان»، «درونمایه و هدف‌های داستان»، «همانندی‌ها و تفاوت‌های داستان رستم و اسفندیار با حماسه‌های جهانی»، «ایلیاد و شاهنامه»، «رستم و پرومته»، «آشیل و اسفندیار»، از لحاظ ارزش هنر شاعری فردوسی معرفی نموده و برتری او را بر سایر حماسه‌سرایان معروف جهان مدلل ساخته است. منابعی که مؤلف در تدوین و شرح «داستان رستم و اسفندیار» از آنها سودجسته است، شامل شش کتاب و یازده مقاله است که آنها را در صفحه‌های ۶۵ و ۶۶ معرفی کرده است. در پایان کتاب، شارح در فاصله صفحات ۲۶۹ تا ۲۸۲ واژه‌نمایی را عرضه کرده که شامل فهرست الفبایی لغات مستعمل در حماسه رستم و اسفندیار است که این خود کاری است در خور تمجید و ستایش. تا به حال نکاتی که ذکر شد بیشتر مربوط به محاسن کتاب *رستم و اسفندیار* بود، اما مطالبی نیز در این کتاب وجود دارد که در جای خود قابل تأمل و تجدید نظر است:

۱. اینکه شارح در صفحه ۷، «داستان رستم و اسفندیار» را بهترین کار فردوسی دانسته، خیلی درست به نظر نمی‌رسد، زیرا عده‌ای از شاهنامه‌شناسان داستان رستم و سهراب را قوی‌تر و زیباتر می‌دانند؛
۲. درباره «حماسه نیلونگن» و «بالدار» همچنین داستان «پرومته دربند» که شارح در صفحات ۱۱ و ۱۴ به آنها اشارت کرده، باید توضیحات بیشتری داده شود و به‌مآخذی که درباره داستان‌های مذکور بحث کرده‌اند، اشاره شود؛
۳. نظری که شارح ضمن بحث صفحه ۴۷ - سطر آخر - درباره «رستم» اظهار کرده و ایشان را توت‌پرست دانسته است در خور تأمل است و درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا نیایش‌های رستم با خداوند - که در بخش پهلوانی شاهنامه وجود دارد - موحد بودن او را ثابت می‌کند؛
۴. برخی از مآخذ مورد استفاده در کتاب به طور کامل معرفی نشده است؛ به عنوان نمونه سال، محل چاپ و ناشر کتاب‌های ذیل مصطفی رحیمی در پاورقی صفحه ۱۰ ذکر نگردیده است: *یأس فلسفی، تراژدی قدرت و همچنین اغلب مآخذی در پاورقی صفحات ۱۹ تا ۶۶ - به طور کامل معرفی نشده است به طور مثال: کتاب‌های فرهنگ ایران باستان، حماسه‌سرایی در ایران، تاریخ باستان‌شناسی در صفحه ۱۹.*